

تحریم نفتی ایران (با تأکید بر تحریم نفتی اتحادیه اروپا در سال 2012)

هادی آجیلی^۱ - زهرا مبینی کشه^۲

تاریخ دریافت: 92/1/22

تاریخ تصویب: 92/6/25

چکیده

موفقیت ایران در غنی سازی اورانیوم و رسیدن به فناوری چرخه سوخت هسته ای واکنش های متفاوتی را در جوامع بین المللی به همراه داشت، برخی از کشورها از جمله امریکا و برخی هم پیمانان او در مخالفت با ایران از هرگونه اقدامی فروگذاری نکرده و با صدور قطعنامه ها و جنجال آفرینی سعی در معرفی ایران به عنوان کشوری علیه صلح جهانی داشته اند و با فرستادن پرونده ایران به شورای امنیت و صدور قطعنامه های تحریم سعی دارند ایران را به تعطیلی فعالیت های هسته ای صلح آمیز خود وادار کنند.

در این راستا در سالهای اخیر، سیاستمداران اروپایی هم تحت فشار ایالات متحده به قصد تحت فشار قرار دادن درآمد نفتی و به تبع آن اقتصاد ایران موضوع

1. استادیار و عضو هیأت علمی گروه روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبایی hadiajili@yahoo.com

2. کارشناسی ارشد مطالعات خاورمیانه و شمال آفریقا دانشگاه علامه طباطبایی Mobinizahra18@yahoo.com

تحریم را مطرح کرده اند. اتحادیه اروپا تحریم خرید نفت از ایران را در راستای اجرای قطعنامه 1929 شورای امنیت عنوان نموده و به مقدمه این قطعنامه، به عنوان مبنای حقوقی تحریم خود استناد کرده است. بنابراین سعی نگارنده در این نوشتار، تبیین امکان استمرار یا عدم استمرار تحریم نفتی ایران با تاکید بر تحریم نفتی اتحادیه اروپا در سال 2012 می باشد.

واژگان کلیدی: تحریم، نفت، اتحادیه اروپا، ج.ا.ایران

مقدمه

طی بیش از سه قرن، ساختار کلی سیاست جهان بر نظام آنارشیکی از دولت های ملی برخوردار از حاکمیتی پایه می گرفت که ملزم به پاسخگویی به مرجعی بالاتر از خود نبودند و از طریق مصالحه یا جنگ، اختلافات خویش را اداره می کردند. اگرچه دولت ها تنها نقش آفرینان صحنه جهانی نبودند، ولی از دیرباز بازیگران مسلطی بودند که قواعد زندگی دیگران را تعیین می کردند. از این رو تحریم ها از دیرباز در چارچوب سیاست های اعمال شده به مثابه یکی از عمده ترین ابزارها مطرح بوده و علاوه بر ویژگی وادارکنندگی دارای طبیعت تضعیف کننده نیز بوده اند.

تحریم به عنوان ابزار فشار و اجبار در پیشبرد اهداف سیاست خارجه کشورها و یکی از شیوه های وادارسازی کشورها به انجام رفتار سیاسی مورد نظر می باشد. تحریم که بعضاً به عنوان مجموعه اقدامات عامدانه حکومت کشور تحریم کننده برای وارد کردن محرومیت اقتصادی بر دولت یا جامعه مورد هدف تحریم است و از طریق محدودیت و یا توقف روابط اقتصادی معمول تعریف می شود اغلب به عنوان جانشینی نسبت به زور نظامی محسوب می گردد. از اینرو

تحریم ها راه میانه ای بین اقدام دیپلماتیک نسبتاً آرام، از یک طرف و مداخله شبه نظامی قهری یا مداخله پنهانی نظامی از طرف دیگر است.

در این راستا در سالهای اخیر، سیاستمداران اروپایی تحت فشار ایالات متحده به قصد تحت فشار قرار دادن در آمد نفتی و به تبع آن اقتصاد ایران موضوع تحریم را مطرح کرده اند. با توجه به مطالب مزبور در این مقاله سعی می شود که شرایط و مولفه های امکان پذیری استمرار تحریم نفتی اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی واقع شود. این مقاله مبتنی بر روش توصیفی، تبیینی، تحلیلی و آمار و اسناد و تحلیل کیفی داده ها درصدد تبیین و پاسخ با این سوال است که: «شرایط و مولفه های امکان پذیری تحریم نفتی اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی ایران چیست؟»

البته با توجه به بررسی شاخصه های موثر در استمرار تحریم نفتی علیه جمهوری اسلامی ایران، می توان فرضیه زیر را مطرح نمود که: «با توجه به ابعاد سیاسی و اقتصادی بازار جهانی نفت، تحریم نفتی بویژه تحریم نفتی اتحادیه اروپا علیه ایران در کوتاه مدت و نه به صورت اجماعی امکان پذیر است، اما در بلند مدت و به صورت اجماعی امکان پذیر نیست.»

مفهوم «تحریم»

در مورد معادل انگلیسی تحریم دو واژه وجود دارد، که یکی به معنای تنبیه^۱ است که می تواند هم فشارهای سیاسی و هم فشارهای اقتصادی را دربر داشته باشد و دیگری امبارگو^۲ واژه ای است که ویژه حقوق دانان امریکایی و جزو ادبیات رایج در وزارت خزانه داری امریکا می باشد (عسگر خانی 1383: 168).

1 Sanction
2 Embargo

در پژوهش حاضر واژه نخست مورد نظر است، در این چارچوب تحریم به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که به منظور ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یک دولت توسط دولت دیگر به مورد اجرا گذاشته می‌شوند. به عبارت دیگر، تحریم عبارت است از عمل هماهنگ بوسیله گروهی که متضمن امتناع از داشتن روابط تجاری یا هرگونه رابطه‌ای با شخص یا گروه دیگر با هدف مجازات و یا جبران زیان‌ها باشد، اغلب این تحریم‌ها علیه یک کشور برای مقابله با سیاست‌ها و برنامه‌های آن تفسیر می‌شود (زهرانی 1376). در عین حال در پژوهش حاضر منظور از تحریم، اقدام اتحادیه اروپا در خصوص ممانعت از سرمایه‌گذاری در صنعت نفت جمهوری اسلامی ایران و ممنوعیت کامل خرید نفت ایران است.

چارچوب تئوریک: دیدگاه وابستگی متقابل پیچیده

طی یک دهه گذشته استفاده از تحریم به عنوان ابزاری جهت مهار و جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی به سرعت گسترش یافته و کاربرد آن دستخوش تحولات ژرفی شده است. در این میان، بیش از 8 سال است که فرآیند پرونده هسته‌ای ایران به صورت یک بحران پیچیده بین‌المللی درآمده و هرچه می‌گذرد ابعاد آن نیز رو به فزونی می‌رود و تحریم‌های بیشتری بر ایران اعمال می‌شود. اما حضور بازیگرانی با سرشت ترکیبی همگرا و واگرا نسبت به یکدیگر در این بحران، آمیزه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌ها محتمل و غیر محتمل را برانگیخته به گونه‌ای که پیش‌بینی‌پذیری در مورد آینده و یا سرانجام این بحران را دشوار و مبهم ساخته است.

تبیین ماهیت متناقض این موضوع از آنجا اهمیت می یابد که تعریف فرمول هزینه - فایده برای طرف های درگیر این بحران به سادگی میسر نیست. فضایی که از آن می توان به «دیالکتیک نسبی منافع متغیر» تعبیر نمود. از این روی در این تحقیق تلاش می گردد تا ابعاد تحریم نفتی ایران توسط اتحادیه اروپا و بررسی امکان پایایی آن در بلند مدت در چارچوب نظریه وابستگی متقابل پیچیده یا نامتقارن¹ تئوریزه شود.

رابرت کوهن² و جوزف نای³ را مهم ترین و اصلی ترین پدید آورندگان نظریه وابستگی متقابل می دانند. وابستگی متقابل در سیاست جهانی به وضعیتی اشاره دارد که در آن بین کشورها یا میان بازیگران مختلف تأثیرگذاری متقابل وجود دارد (Keohane & Nye 2001: 7-10). اما دو متغیر مهم نیز در تئوری وابستگی متقابل پیچیده واجد نقش اساسی در تعریف ضریب وابستگی بازیگران به یکدیگر هستند که عبارتند از حساسیت و آسیب پذیری. بر این اساس آنچه ژئوپلیتیک انرژی ایران را نیز پیچیده ساخته دقیقاً مبتنی بر وجود همین دو متغیر میان ایران و جامعه جهانی است که توانسته اند پیچیده ترین وضعیت وابستگی متقابل را برای دو طرف رقم زنند.

بی تردید جغرافیای ایران در خاورمیانه و در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس اهمیت ویژه ای دارد. منطقه خلیج فارس با داشتن 748/9 میلیارد بشکه نفت، مهمترین ذخیره و مخزن نفتی جهان را به خود اختصاص داده است. این مقدار که 59/5 درصد ذخایر شناخته شده جهان را تشکیل می دهد، در تامین انرژی آینده جهان نقش اصلی را بر عهده دارد. خلیج فارس، شاهراه ارتباطی و انبار انرژی از دهه 1950 به یکی از مهمترین مناطق جغرافیایی تبدیل شده است. آنچه که ایالات

1 Complex Interdependence

2 Robert Keohane

3 Joseph Nye

متحده، اروپای غربی و ژاپن را به منابع نفت و گاز خلیج فارس وابسته ساخته، مشکلات جایگزینی نفت و گاز وارداتی با سایر منابع انرژی است (مجتهد زاده 1385: 56-39).

اما وجه اختصاصی دیگر ژئوپلیتیکی ایران در منطقه حساس و استراتژیک تنگه هرمز جلوه می‌نماید. گذرگاه حساس انرژی جهان که خلیج فارس رابه اقیانوس هند وصل می‌کند، مالکیت بر شش جزیره در تنگه هرمز، قوس دفاعی را برای ایران به وجود آورده است (همان 1385: 87). علاوه بر این بر اساس تخمین مرکز مطالعات جهانی انرژی در لندن، 14 درصد نفت خام جهان از تنگه هرمز می‌گذرد. از این آبراه بین‌المللی روزانه بین 16/5 تا 17 میلیون بشکه نفت عبور می‌کند. تانکرهای غول‌پیکری که به مقاصد ژاپن، سایر کشورهای آسیایی، امریکا و اروپای غربی می‌رود.

بدین ترتیب، ژئوپلیتیک خلیج فارس، ایران و همه کشورهای منطقه را با یکدیگر و با جهان در وابستگی متقابل قرار داده است. موقعیت ایران نیز از حیث تسلط بر آبراه بین‌المللی هرمز، متمایز از سایرین توانسته است حساسیت و آسیب‌پذیری را در فضای روابط با بازیگران مهم بین‌المللی رقم بزند. لذا به طور طبیعی و با توجه به جغرافیای منطقه، این وابستگی متقابل از قبل وجود داشته است. نتیجه منطقی حاصل از این مبحث دلالت بر وابستگی متقابل پیچیده از حیث ژئوپلیتیک منطقه ای میان ایران و کشورهای منطقه و بازیگران غربی وجود داشته و دارد ولی با ورود متغیر تحریم نفتی ایران و هزینه‌های مترتب بر این وابستگی، در نتیجه افزایش ضریب حساسیت و آسیب‌پذیری برای همه بازیگران بالا می‌رود.

بنابراین بر اساس دیدگاه وابستگی متقابل پیچیده، از آنجا که ایران و بازیگران بین‌المللی دارای وابستگی متقابل پیچیده هستند، تحریم‌های چند جانبه ماهیت بازدارندگی خود را متوجه بازیگرانی غیر از بازیگر تحریم شونده نیز می‌نماید و درجات متفاوتی از محدودیت و هزینه را برای همه به جای می‌نهد و چنانچه میان بازیگران تحریم‌گر، عدم توافق وجود داشته باشد، اقدامات علیه دولت تحریم شونده ناکارآمد جلوه می‌نماید.

بر اساس تئوری وابستگی متقابل پیچیده، هرچند که بازیگر تحریم شونده مجبور به پرداخت هزینه بیشتری می‌گردد اما توانایی آلت‌رنا‌ت‌یو‌سازی برای بازیگر تحریم شونده وجود دارد. وجه دیگر متناقض اثرات تحریم مبتنی بر اتساع زمان است که علاوه بر بدیل‌سازی پرهزینه برای بازیگر هدف، فضای چانه‌زنی را نیز تقویت می‌نماید.

بنابراین، نتایج نظری و عملی حاصل از تحریم نفتی ایران از بعد ژئوپلیتیکی، نشان از قرار گرفتن ایران در شبکه وابستگی متقابل پیچیده دارد. در نتیجه اینگونه به نظر می‌رسد وابستگی اتحادیه اروپا به واردات انرژی در بلند مدت عامل همگرایی بیشتر این اتحادیه با ایران خواهد شد، از اینرو در چارچوب دیدگاه وابستگی متقابل پیچیده، فرضیه مقاله مبنی بر عدم امکان استمرار تحریم نفتی ایران در بلند مدت، اثبات می‌شود.

ابعاد تحریم نفتی اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی ایران

با ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت، این نهاد تاکنون قطعنامه‌های متعددی علیه ایران تصویب کرده است که عبارتند از قطعنامه‌های 1803، 1747، 1737، 1696، 1929. این قطعنامه‌ها بر اساس فصل هفتم منشور

صادر شده و تحریم های اقتصادی مختلفی به طور هوشمند علیه افراد و نهادهایی که در ارتباط با برنامه هسته ای ایران می باشند، اعمال نموده است. در این میان اتحادیه اروپا تحریم خرید نفت از ایران را در راستای اجرای قطعنامه 1929 شورای امنیت عنوان نموده و به مقدمه این قطعنامه، به عنوان مبنای حقوقی تحریم خود استناد کرده است. مقدمه قطعنامه 1929 بیان می دارد که: « میان درآمد های مالی به دست آمده از بخش انرژی ایران با فعالیت های هسته ای این کشور ارتباط بالقوه وجود دارد». از اینرو اتحادیه خرید نفت از ایران را به عنوان یک اقدام متقابل مورد تحریم قرار داد (امین زاده و خداپرست 1391: 18-16).

اتحادیه اروپا در در تاریخ 24 ژانویه 2012، در پاسخ به نگرانی در مورد فعالیت های حساس گسترش سلاح های هسته ای در ایران، علاوه بر اقدامات جامع و محدود کننده سازمان ملل متحد در سال 2007، به اقدامات مستقلی نیز علیه ایران متوسل شد. در ذیل به موادی از این قطعنامه که صنایع نفت و گاز ایران را هدف قرار داده اشاره می شود:

1. ممنوعیت واردات نفت خام و فرآورده های نفتی از ایران؛
2. ممنوعیت واردات محصولات پتروشیمی از ایران؛
3. ممنوعیت صادرات تجهیزات کلیدی و تکنولوژیک برای صنایع نفت و گاز، به منظور جلوگیری از ممنوعیت کمک های مالی و فنی در زمینه اکتشاف و تولید نفت و گاز طبیعی، پالایش گاز و صنعت پتروشیمی در ایران. (به عنوان مثال بررسی تجهیزات ژئوفیزیکی، حفاری و سیستم عامل های تولید نفت خام و گاز طبیعی، تجهیزات برای پایانه های حمل و نقل گاز مایع، پمپ بنزین ها و تانک های ذخیره سازی)؛

4. ممنوعیت سرمایه گذاری در صنایع نفت و گاز (اکتشاف و تولید نفت و گاز ایران، پالایش و مایع سازی گاز طبیعی) در صنعت پتروشیمی ایران. یعنی هیچ اعتبار، وام، سرمایه گذاری جدید و سرمایه گذاری مشترک با چنین شرکت هایی در ایران صورت نگیرد؛ (RESTRICTIVE MEASURES ON IRAN, 2012).

بدین ترتیب، در راستای قطعنامه اتحادیه اروپا در روز 23 ژانویه 2012 (3 بهمن 1390)، این اتحادیه خرید نفت از ایران را تحریم کرد و اعلام نمود که این تحریم ها از 6 ماه بعد (اوایل مرداد) اجرایی خواهد شد.

درواقع هدف عمده چنین تحریم های فلج کننده بیشتر متوجه بخش انرژی ایران است که رگ حیاتی و منبع کلیدی درآمد این کشور است، که در حدود 70 الی 80 درصد از درآمدهای حاصل از صادرات نفتی کشور و در حدود 50 درصد از کل درآمد کشور را تشکیل می دهد. اروپا در حدود 20 درصد از درآمدهای نفتی ایران را تامین می کرد (Sanctioning Iran: Implications and Consequences 2012)

شاخص های عدم امکان استمرار تحریم نفتی ایران در بلند مدت

به دنبال تصویب قطعنامه شورای اتحادیه اروپا در 23 ژانویه 2012، (3 بهمن 1390) در راستای تشدید تحریم های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران، صادرات نفت ایران حدود 18 درصد کاهش یافت، (به دنبال تحریم نفتی اتحادیه اروپا، ایران کاهشی 1/2 میلیون بشکه ای در صادرات نفت خود داشته است که برابر با 48 میلیارد دلار از درآمدهای سالانه اش است و برآورد می شود که حدود 10 درصد از اقتصاد ایران را شامل می شود (Ibid)).

این در حالی است که ایران سهم قابل توجهی از بازار نفت جهان را در اختیار دارد و حذف ایران از این بازار می‌تواند لطمات جبران ناپذیری را به اقتصاد ناپایدار جهانی وارد کند و کشورهای بزرگ آسیایی که به شدت به واردات نفت وابسته هستند تمایلی به قطع کامل واردات نفت از ایران ندارند و نمی‌خواهند به طور کامل به واردات نفت از عربستان، لیبی و عراق وابسته شوند.

1- نحوه کارکرد بازار بین‌المللی نفت

انرژی و به طور مشخص نفت و گاز، یکی از مولفه‌های تاثیرگذار در تولید ثروت و قدرت در جهان کنونی به شمار می‌رود. اقتصاد جهانی با همه تحولاتی که در دوران پس از جنگ سرد در آن به وجود آمده همچنان به نفت و گاز وابسته است و امروزه امنیت انرژی در صدر مسائل جهان قرار گرفته است. علت این امر روشن است: انرژی نیروی محرکه توسعه برای کشورهای صنعتی و رشد اقتصاد جهانی است. ذخایر انرژی و بویژه نفت در بسیاری از مناطق جهان در حال افول می‌باشد و همزمان مصرف انرژی در حال افزایش است و هنوز چشم انداز روشنی در خصوص استفاده از منابع انرژی جایگزین و قابل رقابت در این عرصه وجود ندارد.

نمودار زیر نشان دهنده نسبت تقاضای نفت به عرضه نفت در جهان طی

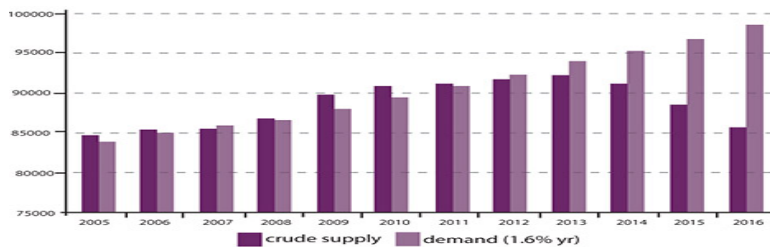
سال‌های 2005-2016 می‌باشد.

(<http://www.tonto.eia.doe.gov/duav/pet/hist/htm> 2013)

نمودار شماره 1: نمودار نسبت تقاضای نفت به عرضه نفت در جهان

Figure 4: Global oil supply versus projected demand in a best-case analysis

Source: Peak Oil Consulting

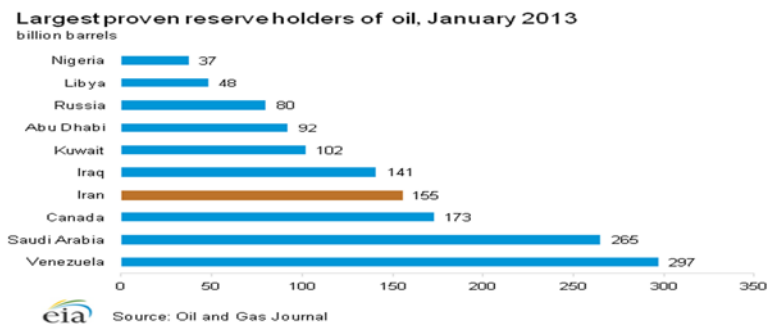


با عنایت به نمودار فوق الذکر در خصوص روند عرضه و تقاضای جهانی نفت طی سال های 2005-2016 چنین به نظر می رسد که تقاضای جهانی نفت طی سال های مورد بررسی روند صعودی خواهد داشت. در این خصوص با عنایت به آمار ارائه شده در مورد میزان عرضه و تقاضای نفت در جهان، و با توجه به روند رشد اقتصادی در جهان و موقعیت و اهمیت نفت در تحقق آن و نیز پیش بینی روند رشد تقاضای نفت در آینده، چنین به نظر می رسد که در خصوص متکی بودن اقتصاد جهانی به نفت، تا آینده قابل پیش بینی تردید چندانی وجود ندارد.

نمودار ذیل نشان دهنده تولید کنندگان عمده نفت و سهم آنها در صدور

نفت در جهان می باشد (Oil and Gas Journal 2013).

نمودار شماره 2: تولید کنندگان عمده نفت و سهم آنها در صدور نفت در جهان

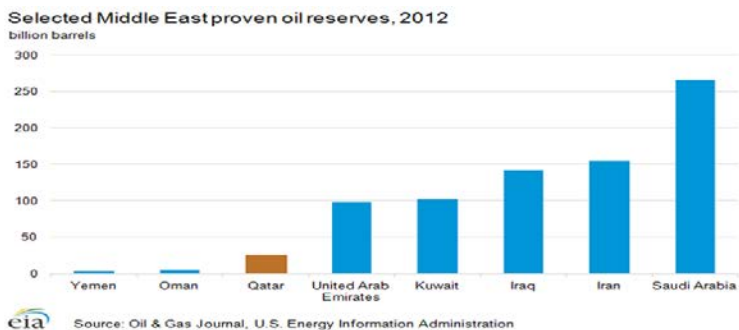


نمودار فوق نشانگر آن است که حجم قابل توجهی از نیازهای کشورهای مصرف کننده نفت توسط تولید جمع محدود یاد شده تامین می گردد. این در حالی است که ایران به عنوان یکی از مهمترین تولید کنندگان انرژی در جهان در سطوح امنیت جهانی انرژی نقش تعیین کننده ای را برعهده دارد و با داشتن 138/4 میلیارد بشکه نفت، 11/2 درصد از ذخایر جهانی نفت را به خود اختصاص داده است. بنابراین می توان به این امر اذعان کرد که حذف ایران از بازار بین المللی انرژی، هزینه های گزافی را به اقتصاد جهانی متحمل می کند و امنیت انرژی را به مخاطره می اندازد.

نمودار ذیل نیز نشان دهنده منابع نفت خاورمیانه در سال 2012 می باشد

. U.S. Energy information administration 2012),(Oil and Gas Journal

نمودار شماره 3: منابع نفت خاورمیانه در سال 2012



نمودار فوق الذکر در خصوص منابع نفت خاورمیانه در سال 2012 بیانگر این مسئله است که ایران یکی از قدیمی ترین کشورهای نفت خیز جهان است و بر اساس آخرین آمار بی. پی در پایان سال 2012 م، ایران به عنوان یکی از مهمترین کشورهای واقع در منطقه خلیج فارس، با داشتن 157/3 میلیارد بشکه نفت، 9/4 درصد از ذخایر جهانی نفت و 13 درصد ذخایر اوپک را به خود اختصاص داده که پس از عربستان سعودی، در میان کشورهای عضو اوپک در رتبه دوم قرار دارد. همچنین ایران با 33/6 تریلیون مترمکعب ذخایر گازی بزرگترین دارنده ذخایر گاز طبیعی جهان می باشد (واعظی 1389: 122).

با توجه به آنچه گفته شد، ایران به عنوان یکی از مهمترین تولید کنندگان انرژی در جهان محسوب می شود و هرگونه اختلال اعم از تحریم نفتی ایران، بازار بین المللی نفت را با عدم تعادل میان عرضه و تقاضا و افزایش قیمت جهانی نفت مواجه می سازد و عدم تامین نفت کافی خطر ایجاد بحران در اقتصاد جهانی را دربر دارد. بدین ترتیب با توجه به حساسیت ناشی از تغییر فاصله میان عرضه و تقاضای نفت، به نظر نمی رسد که همزمان با رشد تقاضا برای نفت، تلاش برای

محدود نمودن توان تولید نفت ایران، از طریق تحریم نفتی، بتواند مورد حمایت بازار بین‌المللی نفت قرار گیرد.

2- موقعیت ایران از لحاظ انتقال انرژی و نقش حیاتی این کشور در امنیت جهانی

انرژی

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، ماهیت قدرت در روابط بین‌الملل از نظامی به اقتصادی تغییر یافت و معادلات ژئواستراتژیک جای خود را به مولفه‌های ژئواکونومیک داد. در این دوره، کشورهای قدرتمند به جای توجه محض به ژئوپلیتیک، عمدتاً به ژئواکونومیک روی آورده و سعی می‌کنند به جای توجهات سیاسی- نظامی به مناطق حساس جهان، نگرش سیاسی- اقتصادی داشته باشند (اطاعت و نصرتی 1389: 329).

رویدادهای دهه نخست قرن بیست و یکم، نشان دهنده این است که در عرصه مناسبات بین‌المللی، ژئوپلیتیک انرژی اهمیت راهبردی دارد و در این میان، ایران با 138/4 میلیارد بشکه نفت و 33/6 تریلیون مترمکعب گاز طبیعی از منابع عظیم گاز و نفت برخوردار است و به واسطه نزدیکی مراکز تولید نفت و گاز آن به آبهای بین‌المللی، می‌تواند نقش بسیار مهمی را در معادلات انرژی جهان ایفاء نماید. با تحولات صورت گرفته در رویکردهای ژئوپلیتیک و اهمیت یافتن منابع نفت و گاز در معادلات جهانی، ایران در میان منطقه‌ای قرار گرفته است که در تولید و انتقال نفت و گاز جهانی نقشی حیاتی ایفاء می‌کند، بطوری که از نظر کارکرد، بسان قلب جهان عمل می‌نماید (دیپلماسی انرژی در چشم انداز آینده بازار جهانی 1392).

در واقع ایران به عنوان مهمترین کشور حوزه خلیج فارس و به عنوان یکی از بازیگران اصلی و کلیدی در وقایع مهم انرژی منطقه شناخته می‌شود. بنابراین می

توان چنین استدلال نمود که ایران علاوه بر اعتبار ژئوپلیتیکی دارای ارزش و قابلیت‌های منحصر به فردی در ژئواکونومی نیز می باشد. کشور ایران همواره جایگاه متمیزی در خاورمیانه داشته است. این کشور به همراه عراق، کویت و عربستان سعودی دارای غنی ترین ذخایر گاز و نفت در منطقه هستند، واقع شدن در حاشیه تنگه هرمز به طور متوسط در هر 12 دقیقه یک کشتی نفت کش از تنگه هرمز عبور می کند و در مجموع 40 درصد از نفت مصرفی کشورهای جهان از این تنگه عبور می نماید (عزتی 1387).

همچنین ایران با موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ویژه ای که برای منطقه محصور در خشکی آسیای مرکزی دارد، یک کشور ترانزیتی مطلوب است و می تواند تولیدات نفت و گاز قزاقستان و ترکمنستان را به بهترین شکل به دریای آزاد و حتی از طریق ترکیه به اروپا برساند. موقعیت خاص ژئوپلیتیکی ایران به گونه ای است که با عبور لوله های نفت و گاز از خاک ایران، منجر به گسترده شدن همکاری های ژئواکونومیک این کشور با جمهوری های آسیای مرکزی و قفقاز باشد که همکاری های بخش انرژی، همکاری های اقتصادی را به دنبال دارد که نهایتاً منجر به یکپارچگی ژئوپلیتیکی ایران با حوزه خزر خواهد شد.

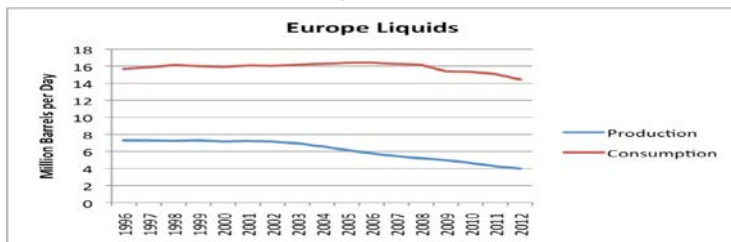
با توجه به مطالب فوق، می توان گفت که ایران جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خاصی دارد که از لحاظ اصولی یک پدیده بین المللی است و در یک شاهراه تعاملات بین المللی قرار گرفته و به هیچ وجه نمی تواند خارج از این تعاملات باشد. بنابراین نمی توان ایران را در مبادلات بین المللی انرژی نادیده گرفت و هیچ کشوری در عرصه بین المللی به لحاظ ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک قابلیت جایگزینی ایران و پر کردن خلا حضور ایران را در بازار بین المللی انرژی ندارد.

3- وابستگی اتحادیه اروپا به واردات نفت

دستیابی به منابع باثبات نفت و گاز، چه به عنوان مواد اولیه کالاهای صنعتی و چه به عنوان تامین انرژی، از دیرباز به عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی کشورهای توسعه یافته و صنعتی به ویژه اتحادیه اروپایی، به شمار می‌رفته است. روند رو به افزایش مصرف انرژی (نفت و گاز) در اتحادیه اروپا و به تبع آن، افزایش وابستگی به انرژی وارداتی ضرورت ارتقای روابط و همکاری با کشورهای اصلی تولید کننده و مصرف کننده را بیش از پیش افزایش داده است. امنیت انرژی از دیدگاه این گونه کشورها، عرضه مطمئن انرژی در زمان مناسب و با قیمت مناسب، تعریف می‌شود (خلیلی و آزموده 1389: 596).

با وجود تلاش‌های گسترده‌ای که به منظور جایگزینی دیگر منابع انرژی به جای نفت و گاز صورت گرفته است، این منابع همچنان نقش اصلی و حیاتی را در تامین انرژی جهان و اتحادیه اروپا ایفا می‌کنند. حدود 42 درصد از سبد مصرف انرژی اتحادیه اروپا را نفت خام و بیش از 23 درصد را گاز طبیعی تشکیل می‌دهد. لذا در مجموع بیش از 65 درصد از منابع انرژی اتحادیه اروپا توسط منابع نفت و گاز تامین می‌گردد. بعد از نفت و گاز برق هسته‌ای با 21/1 درصد بالاترین سهم را دارد و زغال سنگ با 4/7 درصد، انرژی‌های تجدید پذیر با 5/5 درصد و استفاده از زباله برای تولید انرژی و سایر موارد 3/7 درصد از سبد انرژی اتحادیه را تشکیل می‌دهند. در میان بخش‌های مختلف اقتصادی اتحادیه اروپا بیشترین مصرف به ترتیب مربوط به بخش خانگی و خدمات (37 درصد)، بخش حمل و نقل (33 درصد)، بخش صنعت (28 درصد) و کشاورزی (2 درصد) می‌باشد. نمودار ذیل نشان دهنده تفاوت تولید و مصرف نفت خام اتحادیه اروپا طی سال‌های 1996-2012 می‌باشد (eia 2012).

نمودار شماره 4: مقایسه تولید و مصرف نفت خام اتحادیه اروپا طی سال های 1996-2012



سهم کشورهای عضو اتحادیه اروپا از کل ذخایر نفت خام جهان در سال 2010 به کمتر از یک سوم سهم این اتحادیه در سال 1980 کاهش پیدا کرده و از 1/8 درصد به 0/5 درصد افت کرده است. از لحاظ مقداری نیز طی سی سال گذشته، میزان ذخایر نفت خام این اتحادیه به کمتر از نصف تقلیل یافته و از 11/8 میلیارد بشکه به 6/3 میلیارد بشکه در همان دوره رسیده است. با احتساب میزان ذخایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا و همچنین در نظر گرفتن مقدار تولید سالیانه آنها، عمر ذخایر نفت خام این اتحادیه کمتر از 9 سال برآورد می شود.

فاصله میان تولید و مصرف نفت کشورهای عضو اتحادیه اروپا در 12 سال گذشته، (1999-2012) به طور متوسط معادل 11/883 میلیون بشکه در روز بوده است، که بیانگر کمبود شدید است. البته میزان واردات نفت بیش از فاصله میان تولید و مصرف در این کشورها می باشد، چرا که بخشی از نفت خام تولیدی کشورهای عضو به خارج از اتحادیه صادر می شود. روسیه، نروژ، لیبی و عربستان سعودی با سهمی به ترتیب معادل 34، 16، 10 و 7 درصد بزرگترین تامین کنندگان نفت اتحادیه اروپا هستند. روند وابستگی کشورهای عضو اتحادیه اروپا به واردات نفت خام طی سال های گذشته همواره صعودی بوده است (خواجهوی 1390: 26-29).

در این میان، منطقه خلیج فارس با داشتن 748/9 میلیارد بشکه نفت، مهمترین ذخیره و مخزن نفتی جهان را به خود اختصاص داده است. این مقدار که 59/5 درصد ذخایر شناخته شده جهان را تشکیل می‌دهد، در تامین انرژی آینده جهان نقش اصلی را بر عهده دارد. این اتحادیه 40 درصد از واردات نفت خود را از منطقه خلیج فارس تامین می‌کند. این رقم تا سال 2030 تا 60 درصد افزایش خواهد یافت؛ این در حالی است که انتظار می‌رود تولید نفت دریای شمال، که در حکم نفت داخلی برای اتحادیه اروپا است، از روزانه هفت میلیون بشکه در حال حاضر، به چهار میلیون بشکه در دهه آینده کاهش یابد. در چنین شرایطی، بر اساس خوشبینانه ترین سناریوها، اتحادیه اروپا تا سال 2020 باید روزانه 5/5 میلیون بشکه نفت وارد کند و بخش اعظم آن از منابع نفتی خلیج فارس وارد شود.

بدین ترتیب با توجه به برخورداری ایران از ذخایر عظیم نفت و گاز و همچنین موقعیت حساس ترانزیتی این کشور برای اتحادیه اروپا، هرگونه تحریم نفتی ایران از جانب این اتحادیه در بلند مدت موجب ایجاد کسری فاحش بین تولید و مصرف نفت در کشورهای عضو اتحادیه می‌شود و خطراتی امنیت انرژی این اتحادیه را تهدید خواهند کرد.

4- جایگاه ایران در تامین امنیت عرضه انرژی اتحادیه اروپا

استراتژی انرژی جدید اتحادیه اروپا (2020) بر روی پنج اولویت متمرکز شده است؛ که این اولویت‌ها عبارتند از: دستیابی به اهداف افزایش کارایی انرژی در اروپا، تقویت مصرف کنندگان و دستیابی به بالاترین حد ایمنی و امنیت در زمینه انرژی، گسترش رهبری اروپا در زمینه نوآوری و فن آوری انرژی و تقویت ابعاد

خارجی بازار انرژی اروپا می باشد. در سال های گذشته، یکی از مهمترین اهداف سیاست انرژی اتحادیه اروپا کاهش وابستگی به انرژی روسیه بوده است. به طور خاص، تنوع بخشی به سبد انرژی و افزایش سهم عرضه گاز خاورمیانه و شمال آفریقا یکی از اولویت های مشخص این سیاست بوده است (استراتژی انرژی 2020 اتحادیه اروپا و چالش های تحقق آن 1391: 5).

بررسی ها نشان می دهد، وابستگی اروپا به نفت و گاز وارداتی در سال های آتی تشدید خواهد شد. به طوری که با وجود کاهش مصرف نفت خام اتحادیه اروپا وابستگی آن به نفت وارداتی، از 85 درصد در سال 2010 به 95 درصد در سال 2030 افزایش می یابد. همچنین با رشد فزاینده مصرف گاز طبیعی در اروپا، وابستگی به گاز وارداتی از 64/5 درصد در سال 2010 به 85 درصد در سال 2030 افزایش خواهد یافت. لذا مسئله امنیت با ثبات انرژی با توجه به ملاحظات ژئوپلیتیکی و همچنین محدودیت های زیست محیطی، به عنوان یک الزام بسیار حیاتی در دستور کار اتحادیه اروپا قرار دارد. این مسئله باعث شده است تا اروپا به بازارهای دیگر صدور انرژی همچون: خاورمیانه، دریای خزر و آفریقا روی آورد.

علاوه بر تمرکز یافتگی نفت و گاز در خاورمیانه (این منطقه دارنده دوسوم ذخایر نفت و نیمی از ذخایر گاز در جهان است)، عامل دیگری که مصرف کنندگان اروپایی را برای نزدیک شدن تدریجی به خاورمیانه تحریک می نماید و در سند «چشم انداز جهانی سرمایه گذاری انرژی» توسط آژانس بین المللی انرژی در سال 2003 نیز به آن اشاره شده است، پایین بودن هزینه های تولید انرژی در خاورمیانه در مقایسه با سایر نقاط جهان است.

در این میان ایران که از ذخایر عظیم نفت و گاز و از پتانسیل بالایی برای تامین منابع نفت و گاز مورد نیاز اروپا برخوردار است و به دلایل ذیل می‌تواند جایگزین مناسبی برای تامین نفت و گاز اتحادیه اروپا در سال‌های آتی باشد.

- پتانسیل گسترده تولید نفت و گاز در سال‌های آتی در صورت تحقق سرمایه‌گذاری‌های مورد نیاز
- گستردگی خطوط لوله نفت و گاز در سراسر کشور
- امنیت بالای خطوط لوله نفت و گاز
- نزدیکی به منابع نفت و گاز کشورهای آسیای میانه
- دسترسی به سواحل طولانی در آب‌های آزاد خلیج فارس و دریای عمان

همچنین ایران دارای منابع گسترده نفت و گاز می‌باشد که هنوز توسعه نیافته است (خواجه‌وی 1390: 36).

بنابراین، ایران یکی از مهمترین گزینه‌های استراتژیک و مناسب برای تامین نفت و گاز اتحادیه اروپا طی سال‌های آینده محسوب می‌گردد، لذا هرگونه تحریم نفتی ایران توسط اتحادیه اروپا، امنیت انرژی اتحادیه را با چالش مواجه خواهد ساخت. به عبارت دیگر تحریم نفت ایران در راستای امنیت انرژی اروپا نیست، بلکه در نقطه مقابل امنیت انرژی آنهاست. بنابراین به نظر می‌رسد، امکان استمرار اینگونه تحریم‌ها در بلندمدت علیه ایران توسط اتحادیه اروپا، به دلیل جایگاه بی‌بدیل ایران در امنیت انرژی جهان غیر ممکن باشد.

5- ملاحظات فنی و مهندسی تحریم نفتی اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی ایران

هر پالایشگاه متناسب با درجه سنگینی و یا سبکی نفت (API) احداث می شود و پس از ساخت نمی تواند نوع دیگری از نفت با درجه (API) متفاوتی را جایگزین کند، زیرا ضررهای جبران ناپذیری را به تاسیسات نفتی وارد می کند. هر پالایشگاه می تواند نفت خام خاصی را به عنوان خوراک به مصرف برساند. لذا اگر بخواهد نفت خود را از منبع دیگری تامین کند، نه تنها باید افزایش تولید نفت در جای دیگر ممکن باشد، بلکه باید نفت خاصی باشد که به لحاظ سبکی و سنگینی، ترشی و شیرینی و وجود ناخالصی های دیگر، کم و بیش مشابه همان نفت خام باشد و در غیر این صورت باید انواع نفت خام ها را ترکیب کند تا به مشخصات خوراک خود برساند (خوشرو 1390: 15).

بدین ترتیب به دنبال تحریم نفت ایران توسط اتحادیه اروپا در تاریخ 24 ژانویه 2012، تغییر تنظیمات پالایشگاه های نفت اروپا که به طور خاص برای نفت وارداتی از ایران، طراحی شده اند میلیون ها دلار هزینه برای کشورهای اروپایی ایجاد می کند (سی ان ان پالایشگاه های اروپا تحت فشار تحریم نفتی ایران 1391).

علاوه بر این پالایشگاه های اروپایی از تحریم نفتی ایران، بیشتر ضرر می کنند، زیرا منبع مطمئن تامین نفت مورد نیازشان را از دست داده اند و به دنبال آن مشکلات زیادی برای پیدا کردن نفت متناسب با پالایشگاه هایشان ایجاد خواهد شد. بنابراین از دیگر ملاحظاتی که هم اکنون اتحادیه اروپا و به خصوص کشورهای اروپایی واردکننده نفت ایران با آنها مواجه اند، محدودیت در صنایع پالایشی اروپا است.

کارشناسان معتقدند، تحریم نفتی ایران از جانب اتحادیه اروپا، علاوه بر پالایشگاه‌ها، شرکت‌های نفتی اروپا را نیز با عواقب زیادی روبرو خواهد ساخت. براساس قانون اتحادیه اروپا، شرکت‌های نفتی این اتحادیه و واحدهای فرامرزی آنها نمی‌توانند، نفت ایران را بخرند، وارد کنند و یا حتی منتقل کنند. این درحالی است که بسیاری از این شرکت‌ها تا کنون با استفاده از راه‌های مختلف این قوانین را زیر پا گذاشته‌اند چرا که بخش مهمی از صادرات نفت ایران مربوط به صادرات سوخت نفتی است که در موتورهای برق کشتی‌ها و همچنین ایستگاههای برق مورد استفاده قرار می‌گیرد و نیاز به آن به دلیل ترکیبات خاص نفت ایران بسیار مهم است. بعضی از شرکت‌های اروپایی به دنبال استفاده از قانون معافیت از تحریم نفت ایران هستند که به آنها اجازه می‌دهد همچنان به تجارت نفت با ایران ادامه دهند. درواقع شرکت‌های نفتی اروپایی از یکسو به دلیل سرمایه‌گذاری‌های سنگین در بخش گاز و نفت ایران و از سوی دیگر به دلیل به صرفه نبودن سرمایه‌گذاری در میادین نفتی پیر با ذخایر کم سایر کشورها با اعمال اینگونه تحریم‌های نفتی به شدت مخالف هستند.

بنابراین، اگرچه در کوتاه‌مدت ادعای جایگزینی نفت ایران عملی است؛ اما در بلندمدت جایگزینی آن صرف‌نظر از ایرادات دیگر که به لحاظ فنی و کیفی قابل تأمل و جدی به‌نظر می‌رسد، از نظر تبدیل و ارائه آن از سوی دیگر بازیگران نفتی یعنی فروشندگان، دشوار خواهد بود. در این حال از یکسو با توجه به اینکه اکثر پالایشگاه‌های اروپایی خریدار نفت خام ایران طراحی و ساخت واحدهای فرآیندی پالایشگاهی خود را مطابق با کیفیت نفت خام سبک و سنگین ایران طراحی کرده‌اند و توقف یکباره نفت خام ایران هزینه‌های بالای پالایشی برای این واحدها به همراه دارد و از سوی دیگر تحریم نفتی ایران، هزینه‌های بسیار

سنگینی برای شرکت های نفتی اروپایی هم به همراه دارد که با مخالفت گسترده آنها مواجه شده است و شرکت های اروپایی از راه های مختلف سعی می کنند تا از زیر بار مقررات تحریمی علیه ایران فرار کنند و این شرکت ها حاضر نیستند بازار جذاب ایران را رها کنند، بنابراین امکان استمرار تحریم نفتی ایران توسط اتحادیه اروپا در بلند مدت بعید به نظر می رسد.

از سوی دیگر، نفت خام سبک و سنگین ایران، (مانند نفت خام سروش و نوروز و مخلوط فروزان) که از اصلی ترین نفت های خام صادراتی ایران هستند که بیشتر به بازار شرق روانه می شوند. درجه API نفت سبک و سنگین ایران به ترتیب $33/4$ و $29/6$ و مقدار گوگرد آنها برابر با $1/4$ و 2 درصد است. بیش از 85 درصد نفت صادراتی ایران از این نوع دوم تشکیل شده است. اگر کشوری بخواهد نفت ایران را جبران کند لازم است که نفت خامی را تولید کند که مشخصاتی مشابه با نفت خام ایران داشته باشد (خوشرو 1390: 16).

چندین گزینه برای جایگزینی نفت ایران پیشنهاد شده، از جمله: جایگزینی نفت ایران توسط نفت عراق و آنگولا و یا تسریع افزایش تولید نفت لیبی و در آخر نیز افزایش تولید عربستان. اما:

1- نفت خام لیبی اصولاً نفت خام شیرین و سبک است که قیمت آن از نفت خام ایران گرانتر بوده و خصوصیات کاملاً متفاوت دارد و نمی توان آن را جایگزین نفت ترش ایران کرد. نکته دیگر اینکه لیبی قبل از جنگ، تولیدی برابر با $1/7$ میلیون بشکه در روز داشته که امروز حتی به نصف آن میزان نیز باز نگشته است.

2- افزایش تولید عراق و آنگولا: عراق همواره در حال افزایش تولید نفت خام خود است، اما مشکل اصلی این کشور در بحث لجستکی نفت است که

صادرات این کشور را با مشکل مواجه کرده است. هر گونه افزایش صادرات عراق تدریجی خواهد بود و نمی‌تواند یک شبه تولید خود را صدها هزار بشکه در روز افزایش دهد.

آنگولا نیز شرایط مشابهی دارد و نمیتوان روی افزایش تولید کوتاه مدت این کشور حساب باز کرد.

3- ظرفیت اضافی عربستان: عربستان همواره ادعا می‌کند که ظرفیت تولیدش بیش از میزان تولید واقعی این کشور بوده و در شرایط اضطراری، توانایی افزایش تولید خود را دارد. سعودیها همواره از این امر به عنوان اهرمی برای کنترل بازار استفاده می‌کنند. البته میزان دقیق حداکثر ظرفیت تولید عربستان روشن نبوده و در عمل ممکن است کمتر یا بیشتر از آن چیزی که گمان می‌رود باشد. کارشناسان حدس می‌زنند که حداکثر ظرفیت تولید عربستان نزدیکی 10/5 میلیون بشکه در روز است و ارقام بالاتری که عربستان مطرح می‌کند واقع بینانه نیست (کریمی 1390: 34). از سوی دیگر، عربستان تقریباً تمام ظرفیت خود را برای تولید نفت خام سبک و سنگین بکار گرفته است. نفت سبک عربستان که درجه API نزدیک به 33/6 و مقدار گوگرد نزدیک به 2 درصد دارد، کیفیتی کم و بیش مشابه نفت سبک ایران دارد که با تمام ظرفیت تولید می‌شود و ظرفیت اضافی ندارد. بیش از نیمی از نفت صادراتی ایران، نفت خام سنگین است و کمتر از 35 درصد نفت خام سبک، در حالی که ظرفیت مازاد تولید عربستان نفت خام فوق سنگین است (آیا عربستان توان تولید جایگزین نفت ایران را دارد؟ 1390).

بنابراین، با توجه به اینکه از یک سو تحریم نفت ایران ضربه شدید به صنایع پالایشگاهی اروپا وارد می‌سازد و حتی ممکن است شماری از پالایشگاه‌های اروپا در صورت استمرار تحریم نفتی ایران تعطیل شود و از سوی دیگر مازاد

تولید نفت خام عربستان از نوع نفت سنگین بوده و امکان استفاده از آن در پالایشگاه هایی که نفت سبک ایران را استفاده می کنند، حداقل در کوتاه مدت ممکن نیست و تحریم نفت ایران حتی در صورت جبران نفت از سوی عربستان باز هم منجر به اعمال فشار به بازار و در نتیجه افزایش قیمت جهانی نفت خواهد شد، همچنین با توجه به وابستگی اروپا به نفت اورال روسیه به عنوان نفت جایگزین ایران، که مغایر با استراتژی امنیت اتحادیه اروپا می باشد، به نظر نمی رسد که تحریم نفت ایران در بلند مدت از جانب اتحادیه اروپا استمرار داشته باشد.

6- چند دستگی بین المللی در تحریم نفتی ایران

حمایت یا عدم حمایت کشورها از اعمال تحریم ها و مشارکت آنها در اجرای آن در موفقیت یا عدم موفقیت آن تاثیر بسزایی دارد. به عبارتی تاثیر تحریم ها، به خصوص تحریم اقتصادی تا حد قابل ملاحظه وابسته به حمایت بین المللی است. این تحریم ها تنها زمانی می تواند جامه عمل به خود بگیرد که کشور یا کشورهای تحریم کننده بتوانند کشور هدف را منزوی کنند و نظر جامعه جهانی را نسبت به آن کشور برگردانند؛ یا منافی را برای همه کشورهای دیگر تعریف کنند که آنها متقاعد شوند با مجازات سخت کشور هدف، منافی نصیبشان می شود و یا از تهدید و خطرات کشور هدف کاسته می شود (ولیزاده 1390: 360-359).

بنابراین، به رغم وجود اراده سیاسی برای اعمال تحریم علیه ایران، این تحریم ها زمانی تاثیرگذار خواهند بود که کشورهایی چون عربستان سعودی، چین، کره جنوبی و هند نیز در آن مشارکت کنند. نه اینکه از تحریم ها پیروی کنند، بلکه مواضع مثبت خود را هماهنگ کنند. در حالی که برخی از مقامات

دولت‌های کشورهای چینی، ژاپن، هند، کره جنوبی، ترکیه و برخی دیگر که عمده‌ترین واردکنندگان نفت از ایران می‌باشند، صراحتاً بیان داشته‌اند که با تحریم نفتی ایران مخالف هستند و امکان جایگزینی نفت ایران را ندارند. اما اتحادیه اروپا همچنان برای کاستن ریسک و تبعات مواجهه با ایران در پی کسب اجماع جهانی برای تحریم نفتی ایران می‌باشد (لطفی 1391).

تحریم کامل نفتی ایران بیش از همه اقتصادهای رشد‌یابنده چین و هند و تا حدودی اقتصاد ژاپن را تحت فشار قرار خواهد داد. بنابراین کاملاً منطقی است که کشورهای فوق‌مخالف تحریم نفتی ایران باشند و از همکاری با ایران در مقایسه با همراهی با غرب و آمریکا در تحریم نفتی ایران، سود بیشتری عایدشان شود. علاوه بر این بزرگترین خریداران نفت ایران از جمله ژاپن و اتحادیه اروپا به دنبال تحریم نفت ایران مجبور هستند، نیاز نفتی خود را بیشتر از طریق عربستان سعودی؛ قطر و امارات متحده عربی تامین کنند ولی این کشورها نبود دو میلیون و دویست هزار بشکه نفت ایران در بازار را فقط برای مدت خیلی کمی می‌توانند جایگزین کنند.

بدین ترتیب می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که بازارهای مالی جهان چنان وسیع و متنوع هستند که کنترل و مهار این بازارها از طریق این نوع تحریم‌ها عملی نیست. درواقع امروز دیگر قطب مصرف جهان اروپا و آمریکا نیست، بلکه عمده مصرف‌کنندگان نفت جهان، هند، چین، ژاپن و کره به شمار می‌آیند که هر روز با سرعت در حال توسعه و پیشرفت بوده و نیاز بیشتری به انرژی دارند و مقامات این کشورها بارها صراحتاً مخالفت خود را با تحریم نفتی ایران اعلام کرده‌اند. درواقع تحریم‌های غرب خود به وسیله رقابت، منفعت‌جویی و هماوردطلبی میان انواع قدرت‌های بزرگ کم‌اثر می‌شوند و کشورهای بزرگ

آسیایی که به شدت به واردات نفت وابسته هستند تمایلی به قطع کامل واردات نفت از ایران ندارند و نمی‌خواهند به طور کامل به واردات نفت از عربستان، لیبی و عراق وابسته شوند، این در حالی است که وضعیت تولید نفت عراق و لیبی هیچ‌گونه ثبات خاصی ندارد.

بنابراین امکان اجماع جهانی در مورد تحریم نفتی ایران هم در کوتاه مدت و هم در بلندمدت غیرممکن به نظر می‌رسد و عدم اجماع جهانی هم تبعات تحریم نفتی ایران را برای اتحادیه اروپا افزایش می‌دهد، در نتیجه به نظر می‌رسد اتحادیه اروپا برای جلوگیری از خسران بیشتر از استمرار تحریم نفتی ایران در آینده منصرف می‌شود. از سوی دیگر، موقعیت بسیار حساس و جذاب ایران در جذب سرمایه‌گذاری خارجی، مانع از توفیق امریکا و اروپا در اعمال فشارها شده است. در واقع جهان نیازمند نفت ایران است و هیچ راهی برای گریز از آن وجود ندارد، نفت زیادی در جهان نیست و همه کشورها نیازمند آن هستند و تحریم نفت ایران از جانب اتحادیه اروپا، نفت ایران را از بازار بین‌المللی حذف نمی‌کند و صرفاً نفت خام ایران از بازار منطقه اروپا به آسیای شرقی منتقل می‌شود و عملاً تحریم‌ها کارایی خود را از دست می‌دهند و کشورهای تحریم‌کننده را از رسیدن به اهدافشان باز می‌دارد.

نتیجه‌گیری

هدف نگارنده در این نوشتار تبیین امکان استمرار یا عدم استمرار تحریم نفتی ایران با تاکید بر تحریم نفتی اتحادیه اروپا در سال 2012 بود که در چارچوب نظری دیدگاه وابستگی متقابل پیچیده مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس آنچه که در سطور پیشین بیان شد، بیانگر این مسئله است که، وابستگی کلی نفت اروپا به

میزانی است که نمی‌تواند نسبت به نحوه عملکرد بازار بین‌المللی نفت بی‌تفاوت باشد. در این خصوص اگرچه بواسطه فقدان صادرات نفت ایران به اروپا، این اتحادیه به طور موقت دارای حوزه مانور لازم برای اعلام تحریم نفتی علیه ایران بوده، ولی بواسطه نقش قابل توجه صادرات نفت ایران در بازار بین‌المللی نفت، در صورتی که توان صادراتی ایران کاهش یابد، این عامل بویژه در شرایط وجود فشار تقاضا بواسطه نقش آن در رشد و توسعه اقتصادی در سطح جهان، موجبات بروز بی‌ثباتی و افزایش قیمت‌ها در بازار بین‌المللی را فراهم می‌سازد، که ضرر و زیان غیر قابل اغماض برای اروپا را دربردارد. زیرا در دوره مورد بررسی، نه تنها تقاضای اروپا برای نفت بلکه در عین حال تقاضای کلی نفت در جهان نیز دارای روندی فزاینده خواهد بود.

بدین جهت منطقی به نظر می‌رسد که با عنایت به روند فزاینده تقاضای نفت در جهان، مصرف‌کنندگان نفت در دوره یاد شده نسبت به کاهش تغییر عرضه دارای حساسیت بالا باشند و به طور طبیعی با تحریم نفتی ایران مخالفت کنند. بر این اساس در شرایطی که ازدیاد ظرفیت تولید، عرضه نفت، افزایش سرمایه‌گذاری، و گسترش بازارها از جمله عوامل ضروری برای تداوم رشد و توسعه اقتصادی در سطح جهان می‌باشند، چنین استنباط می‌شود که تحریم نفتی اروپا علیه ایران که موجب کاهش عرضه نفت ایران با بازارهای جهانی نفت می‌شود، در تضاد با اقتصاد آزاد و بازار جهانی است.

بنابراین، با توجه به شاخصه‌های زیر از قبیل: شرایط بازار بین‌المللی نفت و ملاحظات مربوط به حفظ تعادل در این بازار به عنوان عاملی تعیین‌کننده، موقعیت ایران از لحاظ انتقال انرژی و نقش حیاتی این کشور در امنیت جهانی انرژی، جایگاه ایران در تامین امنیت عرضه انرژی اتحادیه اروپا، دشواری قابل

توجه جایگزینی نفت ایران، هزینه های بسیار سنگین تغییر تنظیمات پالایشگاه های نفت اروپا و سایر کشورهای وارد کننده نفت ایران که به طور خاص برای نفت وارداتی از ایران طراحی شده اند و همچنین عدم اجماع بین المللی در مورد تحریم نفتی ایران، که هرکدام به نوبه خود می توانند مانع از تحقق و استمرار اعمال تحریم نفتی اتحادیه اروپا علیه ایران گردد، این گونه به نظر می رسد که، تحریم نفت ایران از سوی اتحادیه اروپا وضعیت شکننده ای دارد و در بلند مدت نمی تواند پابرجا بماند.

منابع

- «استراتژی انرژی 2020 اتحادیه اروپا و چالش های تحقق آن» (1391). گروه اقتصاد سیاسی بین الملل، پژوهشکده اقتصاد انرژی، ص. 5
- اطاعت، ج. و نصرتی، ح. (1389). «نفت، ژئواکونومی و امنیت ملی ایران». مجموعه مقالات همایش ملی: نفت و سیاست خارجی، ص. 329.
- امین زاده، ا. و خداپرست، ن. (زمستان 1391). نقد تحریم نفت ایران از طرف اتحادیه اروپا از منظر حقوق بین الملل. فصل نامه دیدگاه های حقوق قضایی، شماره 60، ص. 16.
- آیا عربستان توان تولید جایگزین نفت ایران را دارد؟، (۵ بهمن ۱۳۹۰)، مرکزی نیوز.
- سی ان ان پالایشگاه های اروپا تحت فشار تحریم نفتی ایران. سایت تحلیلی خبری عصر ایران. (2/11/1391).
- خلیلی، م. و آزموده، ف. (1389). امنیت انرژی، سیاست خارجه ایران و اتحادیه اروپا. مجموعه مقالات همایش ملی: نفت و سیاست خارجی، ص. 596.
- خواجهوی، ع. (1390، مهر و آبان). جایگاه ایران در تامین امنیت عرضه انرژی اتحادیه اروپا. (شماره 143-144)، ص. 26.

خوشرو، س. (1390، آذر و دی). چالش‌های تحریم نفتی ایران و تبعات آن. مجله اقتصاد انرژی (شماره 146-145)، ص. 15.

دیپلماسی انرژی در چشم انداز آینده بازار جهانی. (1392). ص. 92.

زهرانی، م. (1376). تحریم اقتصادی از نظر تا عمل. مجله سیاست خارجی، سال یازدهم (شماره 1).

عسگر خانی، ا. (1383). رژیم‌های بین‌المللی. تهران: انتشارات ابرار معاصر.

عزتی، ع. (1387). ژئواکونومیک قرن بیست و یک جایگاه ایران. سال دوم (شماره دوم).

کریمی، م. (1390، دی). بررسی تحریم نفت ایران از نگاه کارشناسان. گستره انرژی، سال پنجم (شماره 57)، ص. 34.

لطفی، ح. (1385). تحریم نفتی ایران؛ مخاطرات و پیامدها. نشریه همشهری.

مجتهد زاده، پ. (1385). کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

واعظی، م. (1389). دیپلماسی انرژی ایران و قدرت‌های بزرگ در خلیج فارس. مجموعه مقالات همایش ملی: نفت و سیاست خارجی، ص. 122.

ولیزاده، ا. (1390). (رهیافت‌ها و نظریه‌های کارایی تحریم در اقتصاد سیاسی بین‌المللی). فصلنامه سیاست، دوره (41) شماره (1)، ص. 360-359.

Eia. (2012). Retrieved from <http://www.eia.doe.gov/duav/pet/hist/oil/htm/>.

Keohane, R., & Nye, J. (2001). *Power and Interdependence*. United States, : Harrisonburg.

Oil and Gas Journal, U.S. Energy information Administration. (2012). Retrieved from <http://www.eia.doe.gov/duav/pet/hist/oil/htm/>.

Retrieved from <http://www.tonto.eia.doe.gov/duav/pet/hist/htm/>. (2013).

Retrieved from <http://www.tonto.eia.doe.gov/duav/pet/hist/htm/>. (2013).

RESTRICTIVE MEASURES ON IRAN. (24 January 2012). COUNCIL OF THE EUROPEAN UNION. Brussels: 5555/1/12 REV 1, PRESSE 15, UPDATED VERSION.

Archive of SID